

آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران

سعید خاتم (دانش آموخته دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، ایران)

سید عباس احمدی* (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

محمود واثق (استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

هادی ویسی (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، ایران)

چکیده

کلان‌شهر تهران مرکزیت اداری-سیاسی کشور را در درون و برون مرزهای سیاسی تنظیم می‌کند و در تعامل با سایر نقاط جهان در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی درجه بالایی از تأثیرپذیری و تأثیرگذاری را در یک تحلیل سیستمی آشکار می‌سازد. سیستم شهری تهران، باز و چندوجهی است که با تعارض و ناپایداری‌های زیادی مواجه است. به نظر می‌رسد نبود یک کارکرد مشخص برای کلان‌شهر تهران، توصیف سیستمی از آن را با مشکل روبه‌رو و کارآمدی نهادهای مدنی و دولتی در آن را به شدت تضعیف می‌کند. سپس زمینه‌های اصلی و بالقوه در شکل‌گیری و بروز عوامل استراتژیک چهارگانه (فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف) در محیط بیرونی و درونی مورد شناسایی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد از میان عوامل مختلف بیرونی مؤثر در مدیریت سیاسی فضای کلان‌شهر تهران، عامل نهیة طرح مجموعه شهری با امتیاز وزنی (۰/۸۴) به ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین فرصت و عامل تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی و مدیریت کلان‌شهر تهران (۰/۳۳)، مهم‌ترین تهدید پیش‌روی مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران محسوب می‌شوند. تفرق و چندپارگی، از ویژگی‌های بارز نظام مدیریت شهری تهران است که همین عامل باعث شده است نظام مدیریت و اداره این کلان‌شهر نتواند فضایی شهری و به تبع آن فرایندهای اجتماعی، سیاسی، کالبدی، زیست‌محیطی و اقتصادی را به‌صورت سیستماتیک تحت پوشش قرار دهد.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۹ تیر ۱۳۹۹

تاریخ پذیرش: ۹ بهمن ۱۳۹۹

صفحات: ۱۰۶-۸۹



کلید واژه‌ها:

مدیریت سیاسی، آسیب‌شناسی، توسعه

فضایی، تهران

* نویسنده مسئول: دکتر سید عباس احمدی

پست الکترونیک: abbas_ahmadi@ut.ac.ir

مقدمه

شهر، به‌عنوان سیستمی متشکل از اجزا و عناصر مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی-فضایی و محیطی، پیچیده‌ترین فضایی است که انسان در روند تکامل تمدن شکل داده است. شهر، محل تمرکز جمعیت، منابع (انسانی، مواد، کاربری زمین، آب و انرژی)، اطلاعات، قدرت اقتصادی و فرصت‌ها و به همان نسبت، محل تمرکز آلودگی و کژکاری‌ها از تراکم ترافیک گرفته تا جرم و جنایت است (Bugliarello, 2006: 21). به‌تدریج که شهرها بزرگ و بزرگ‌تر شدند، وظایف و اختیارات بیشتری یافتند و امکانات بیشتری را برای ساکنان خود فراهم آوردند و به همان نسبت مناسبات و روابط پیچیده‌تری میان افراد و گروه‌های مختلف برقرار شد و به‌تبع آن مشکلات و مسائل کلان‌تر و بزرگ‌تری نیز به‌وجود آمد (برآبادی، ۱۳۸۴: ۹). در این راستا، ساختارهایی برای نظم‌دادن به شهرها، تأمین خواسته‌ها و نیازهای شهرنشینان، حل مشکلات و مسائل خرد و کلان شهری و نیز هدایت توسعه شهری شکل گرفت و در واقع سربرآوردن شهر، ساختارهای نهادی و سیاسی که به آن زندگی و نظم می‌دادند نیز شکل گرفتند (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۸). شهر به‌عنوان یک منبع توسعه مطرح است و جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه‌های شهری نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده دارد (عیوضلو و رضویان، ۱۳۹۷: ۱۷۶). شهرنشینی امروزه یکی از چالش‌های اساسی است که بیشترین میزان آن در کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بوده و سالانه تا ۶۰ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین این مناطق افزوده می‌شود (Stephens & Satterthwaire, 2008: 300). از طرف دیگر رشد روزافزون جمعیت شهری، شهری‌شدن جوامع، جهانی‌شدن و ضرورت پاسخگویی و شهروندمداری، مدیریت شهرها به‌ویژه سازماندهی سیاسی فضا در کلان‌شهرها را با چالش‌های عدیده‌ای

مواجه ساخته و مدیران و تصمیم‌گیران شهری را به سوی بهره‌گیری از روش‌های مطلوب در زمینه مدیریت شهری سوق داده است (حسینی، ۱۳۹۵: ۵۱). مکان‌ها و نواحی جغرافیایی به‌منظور اداره بهتر امور و تنظیم روابط افقی و عمودی با سایر نواحی و همچنین استقرار نهادها و سازمان‌ها به خودگردانی و مدیریت در بُعد محلی نیازمند هستند. این نوع خودگردانی‌ها و سازماندهی سیاسی فضا در بُعد محلی در ادبیات جغرافیای سیاسی به دولت محلی و حکومت محلی تعبیر می‌شود که با کارکردهای ویژه خود از فعالیت‌هایی که مربوط به قلمرو دولت مرکزی است، مجزا می‌شود. خودگردانی‌های محلی بر اساس فضای جغرافیایی خود دارای کارکردهای متنوعی شامل امور سیاسی، امنیتی، اداری، خدماتی، تجاری-بازرگانی، توریستی و... هستند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱)؛ اما در ایران سیستم مدیریت شهری نه‌تنها به‌عنوان یک سطح و رده فضایی مستقل مدیریتی محسوب نمی‌شود، بلکه کاملاً وابسته و تحت نظارت دولت مرکزی و واحدهای تابع آن قرار دارد. یکی از اهرم‌های اصلی در موفقیت اداره شهرها، هماهنگی میان سازمان‌های ذی‌ربط است؛ به‌عبارت‌دیگر تعدد سازمان‌ها و نهادهای اداره‌کننده شهر (کنشگران شهری) و اداره بخشی شهر بدون وجود هماهنگی، موجب سردرگمی و اتلاف منابع شهر و ناموفق بودن اداره آن است (عزیزی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶). با توجه به این مطالب، مقاله حاضر به‌دنبال آسیب‌شناسی وضعیت موجود مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران است.

پیشینه تحقیق

الیگارسادیح (۲۰۱۱) در کتابی با عنوان «سیاست‌گذاری فضایی» بیان می‌دارد که پیدایش این کتاب به سال ۲۰۰۶ زمانی که نیاز به ایجاد یک مرجع

تهران)، دستیابی به توسعه یکپارچه و پایدار شهری و نیز خدمات‌رسانی هماهنگ و یکپارچه به فضای شهری در گرو مدیریت یکپارچه فضای شهری خود در گرو رعایت اصل تقسیم سلسله‌مراتبی فضای شهری است؛ امری که در کلان‌شهر تهران تحقق نیافته است.

شکوهی و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای تطبیقی به بررسی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهرهای ایران پرداختند. در این پژوهش شاخص‌های مشارکت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی و حاکمیت قانون به‌عنوان ابعاد اصلی حکمروایی خوب شهری منابع و محدودیت‌های تحقق آن در کلان‌شهرهای تبریز، اصفهان و مشهد مورد بررسی قرار گرفت.

صفایی‌پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود به ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب شهری و مدیریت سیاسی فضا در شهر خرم‌آباد پرداختند. هدف از انجام این پژوهش، تحلیل و بررسی تحقق‌پذیری حکمروایی خوب شهری بود. در این پژوهش با توجه به هدف و فرضیه‌ها برای بررسی تحقق‌پذیری میزان حکمرانی خوب شهری در شهرداری‌های شهر خرم‌آباد از چهار شاخص مشارکت، شفافیت، حاکمیت قانون و پاسخگویی استفاده شد.

ناصر برک‌پور (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان "حکمروایی شهری و نظام اداره شهری و نظام در ایران" به میزان تحقق حکمرانی در شهرهای ایران و دو شهر همدان و اسلام‌شهر به‌عنوان دو نمونه از شهرهای میانی کشور پرداخته است. این پژوهش به میزان تحقق حکمرانی در شهرهای ایران و دو شهر همدان و اسلام‌شهر به‌عنوان دو نمونه از شهرهای میانی کشور پرداخته است. وی در این پژوهش با بررسی مدل‌های حکمرانی شهری مختلف، الگوی ده معیاره‌ای که عبارت بودند از مشارکت شهروندان، اثربخشی و کارایی، پذیرا بودن و پاسخ‌ده بودن، شفافیت،

اساسی در سیاست فضا احساس شد، انجام گرفت. برای این منظور، ابتکار عمل را برای ایجاد یک واقعیت در نظر گرفته است. در این کتاب به سیاست‌گذاری فضایی، فضای امنیت ملی، برنامه‌های فضایی توسعه‌یافته، فضای تجاری بازیگران، سازمان‌های بین‌المللی در مسائل مربوط به فضای مدنی پرداخته شده است.

بنسون و یونگ (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان «مدیریت یکپارچه زیرساخت‌های شهری پایدار» بیان می‌دارد که توسعه شهری پایدار و قابلیت زندگی یک شهر مسائل فزاینده مهم در زمینه برنامه‌ریزی استفاده از زمین و مدیریت زیرساخت است. همچنین افزایش شدید مسئولیت‌ها و نقش‌های دولت محلی برای برنامه‌ریزی و مدیریت زیرساخت‌ها وجود دارد. این افزایش مسئولیت بدین معنی است که مقامات منتخب محلی و برنامه‌ریزان شهری زمان کمتری برای تهیه اطلاعات پیش‌زمینه و تصمیم‌گیری دارند.

قادری حاجت و مختاری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «عدالت فضایی ایران و سازمان سیاسی-فضایی در تهران»، بیان می‌دارند که امروزه تهران، مهم‌ترین چالش مدیریت سیاسی فضا در ایران به‌دلیل انباشت مشکلات در ابعاد طبیعی و انسانی است. مطابق با نتایج پژوهش، فقدان برنامه‌ریزی فضایی و رویکرد توسعه پایدار در سطح ملی، منطقه‌ای و محلی در نظام برنامه‌ریزی ایران، در درجه اول، منجر به تمرکز شدید و نهادینه‌شده و منجر به شکل‌گیری مرکز الگوی حاشیه‌ای در کشور شده است. همچنین بی‌عدالت فضایی/جغرافیایی در کشور و در نتیجه آن در استان تهران و عدم مدیریت یکپارچه در مدیریت شهری تهران سبب مشکلات فعلی تهران شده است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده، علی محمدپور (۱۳۹۱) در رساله‌ای با‌عنوان طراحی الگوی یکپارچه تقسیمات سیاسی اداری فضای شهری (مطالعه موردی شهر

مبانی نظری

مدیریت سیاسی فضا

اگر بخواهیم پدیده‌های فضای جغرافیایی را عمیقاً مطالعه کنیم، لازم است عوامل و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده‌ای را که این پدیده فضای را سامان داده‌اند بشناسیم و با هدف‌های آن‌ها آشنا شویم. این عوامل و تصمیم‌گیرندگان عبارت‌اند از: نظام‌های حکومتی، سازمان‌های دولتی، سازمان‌های برنامه‌ریزی، صاحبان صنایع، زمین‌داران و... در سطوح پایین‌تر، افرادی که فضای جغرافیایی را در جهت زندگی خود انتخاب کرده‌اند. بدین‌سان فضای جغرافیایی در بستر محیط طبیعی، در سیر زمان، در گذشته و حال و با تصمیم‌گیری انسانی عینیت می‌یابد (افضلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۹). از دیدگاه مدیریت سیاسی فضا که به هدف سهولت در خدمات‌رسانی و اداره بهتر سرزمین شکل می‌گیرد، می‌توان تعریف‌های متفاوتی را ارائه کرد. مفهوم مدیریت سیاسی فضا و سازماندهی سیاسی فضا فرایندی مستقل در هر کشور برای مدیریت سرزمین و اداره بهینه امور و ایجاد حداکثر کارایی در ارائه خدمات بوده که تحت عنوان تقسیمات سیاسی فضا نامیده می‌شود (میرحیدر، ۱۳۸۳: ۲۵). هر ساختار سیاسی که در قالب یک کشور تجلی می‌یابد، برای رسیدن به اهداف خود به سازوکارهایی نیازمند است که علاوه بر متناسب‌بودن با ساختار فضایی، می‌بایست متناسب با تحولات زمانی از دینامیسم کافی نیز برخوردار باشد؛ بنابراین حکومت، مجموعه‌ای اجرایی، سیاسی و نظامی است (Skocpol, 2014: 30) که کارکردهای ویژه‌ای برای آن متصور است (Short, 2013: 115).

در بسیاری از تعاریف، تقسیم‌بندی فضایی برای ارائه خدمات بیشتر به شهروندان و اداره بهتر سرزمین و قلمرو همان مدیریت سرزمین یا سازمان‌دهی سیاسی تلقی می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۶۹). در این معنا

قانون‌مندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی را ارائه داد.

روش‌شناسی تحقیق

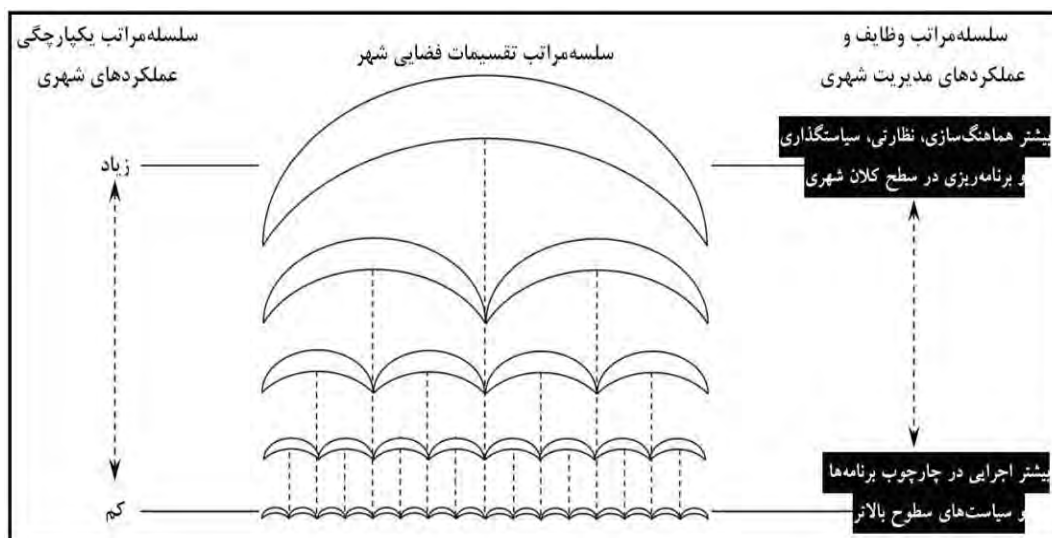
روش مورد استفاده در این پژوهش اسنادی، تحلیلی و پیمایشی است. براساس موضوع تحقیق، ضمن مرور ویژگی‌های جغرافیایی-سیاسی کلان‌شهر تهران داده‌های حاصل از مطالعات نظری مورد بررسی قرار گرفت. سپس زمینه‌های اصلی و بالقوه در شکل‌گیری و بروز عوامل استراتژیک چهارگانه در محیط بیرونی و درونی مورد شناسایی قرار گرفت. در این پژوهش از تکنیک دلفی استفاده شده است. روش دلفی برای حل مسائل و تصمیم‌گیری و برای پیش‌بینی آینده و بر پایه اجماع نظارت متخصصانی که با یکدیگر تماس رودررو نداشته‌اند به کار می‌رود (جاجرمی، ۱۳۷۹: ۳۸). در ادامه با استفاده از تکنیک دلفی و بهره‌گیری از دیدگاه کارشناسان و مدیران بومی (شامل ۱۵ نفر از متخصصان و مدیران در حوزه مدیریت شهری)، عوامل استراتژیک چهارگانه مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران شناسایی و فهرست شدند. سپس اهمیت و اولویت هر یک از عوامل استراتژیک با نظر کارشناسان مذکور تعیین شد. در این مدل به هر یک از عوامل استراتژیک به تفکیک عوامل داخلی و خارجی دو نوع امتیاز داده شد. به هر عامل با توجه به اهمیت آن از صفر تا یک امتیاز داده شد؛ سپس در ستون امتیاز به هر یک از عوامل با توجه به میزان اثرگذاری و اهمیت امتیازی از ۱ تا ۴ داده شد. حاصل ضرب دو ستون امتیاز و وزن عوامل در ستونی به‌نام امتیاز موزون نوشته شد. در ادامه با به‌کارگیری ماتریس داخلی-خارجی، استراتژی‌های مربوط تدوین شد.

مختلف با یکدیگر است. ناگزیر باید در جهت حل برخی مسائل، از همکاری‌های بین‌سازمانی استفاده کرد (Mulford, Klonglan, 1992: 43). هماهنگی میان نظام‌های سازمانی موجب می‌شود تا فعالیت‌های کاری در مرزهای سازمان‌های مختلف، منسجم و یکپارچه شوند. در چنین حالتی، مکانسیم‌های هماهنگی به‌کار گرفته شده میان کارکنان و مدیران، متفاوت است. هماهنگی در سیستم‌های بین‌سازمانی، میان کارکنانی رخ می‌دهد که مشتریان یکسانی دارند؛ بنابراین برای دستیابی به درک مشترک و توافق درباره شیوه کار و همچنین اجتناب از اهداف متعارض باید وظایف، یکپارچه و منسجم شوند (علیخان گرگانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۳۱). از سوی دیگر هماهنگی بین مدیران اداری زمانی رخ خواهد داد که تصمیم مشترکی اتخاذ کنند و عمل مشترکی را به نمایندگی از جمع انجام دهند. بدین سان جهت وجود سطحی از ارتباط بین فضای شهری و نظام اداره آن باید فضای شهری را به صورت سلسله‌مراتبی از فضای کلان تا فضای خرد شهری در نظر گرفت (شکل ۱) تا از این طریق مدیریت شهری بتواند کل نظام فضای شهری را تحت پوشش خود درآورده و در کنار آن از چندپارگی و تفرق در حوزه‌های مختلف خدمت‌رسانی، برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری و... جلوگیری کرد.

سازمان‌دهی سیاسی فضا تقسیم پهنه جغرافیایی یک کشور به مناطق مختلف از طریق استقرار مرزهای قراردادی و نیز تأمین بستر لازم برای رشد متوازن و جلوگیری از رشد ناتوازن تعریف می‌شود (احمدی‌پور، ۱۳۷۹: ۲۷). از طرفی دیگر در یک تعریف کلی‌تر، سازمان سیاسی فضا به بخشی از سطح زمین اطلاق می‌شود که توسط مرز محدود شده و به منظور ایفای نقش‌های سیاسی، سازماندهی شده باشد؛ در واقع سازمان‌دهی سیاسی فضا چگونگی ساخت تعامل فضایی انسان را به منظور ایفای نقش‌های سیاسی نشان می‌دهد (هوشیار، ۱۳۷۹: ۱۱). سازمان‌دهی فضایی رابطه تنگانی با الگوهای رشد و توسعه اقتصادی از یک سو و الگوهای کالبدی فضایی از سوی دیگر دارد. این سازماندهی با دو هدف پهنه‌کردن مکان‌ها و پهنه‌کردن کارکردها و فعالیت‌ها صورت می‌پذیرد (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۶: ۳۶).

هماهنگی در مدیریت یکپارچه سیاسی فضا

همکاری‌های بین سازمان‌ها به معنای تعامل بین سازمان‌های مستقل است و الگوی روابط اجتماعی بین چند سازمان محسوب می‌شوند. در مجموع، همکاری‌های بین‌سازمانی جنبه‌های مختلفی را دربرمی‌گیرند که همه آن‌ها تحت لوای بین‌سازمانی مورد بررسی قرار می‌گیرند (Gazendam, 2000: 132). تلاش‌های همکاری بین‌سازمانی، همگی دارای ساختاری تعاملی بوده که بر همکاری و مشارکت بین سازمان‌ها در جهت دستیابی به هدف یا اهداف مشترک توجه دارند (Bailey, Koney, 1995: 74)؛ اما آنچه در روابط بین‌سازمانی اهمیت بسیاری دارد، این است که چگونه سازمان‌ها و متولیان مختلف در یک حوزه را با یکدیگر هماهنگ کرد. ضرورت وجودی و توجه به موضوع هماهنگی در اثر وابستگی‌ها و روابط موجود بین بخش‌های مختلف یک سازمان یا سازمان‌های



شکل ۱. سلسله‌مراتب تقسیمات فضای شهری براساس رویکرد مدیریت یکپارچه (منبع: قالیباف و همکاران، ۱۳۹۲)

رسمی تقسیمات کشوری و مدیریت‌های ذی‌ربط در هریک از سطوح این نظام است؛ بر همین اساس و به دلیل فقدان نگرش و توانمندی لازم برای مدیریت یکپارچه کل محدوده مجموعه شهری، نارسایی در پوشش فضایی یکی از ویژگی‌های اساسی نظام موجود مدیریت مجموعه‌های شهری است (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۹۹). در شرایط کنونی، اداره و مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران به‌عنوان یک کل یکپارچه در بین قلمروهای حکومتی و مدیریتی متعدد و نهادهای خدماتی حکومت مرکزی تقسیم شده است؛ به طوری که هیچ نوع نگرش و رویکرد یکپارچه‌ای برای اداره و مدیریت آن وجود ندارد. این چالش بنیادین که به ابعاد فرایندی و رویه‌ای سیاست‌گذاری و اجرای تصمیمات در منطقه کلان‌شهری تهران مربوط می‌شود، به تفرق سیاسی یا حکومتی مشهور است که در بسیاری از موارد علت شکل‌گیری یا تشدید مشکلات محتوایی شده است (شریف‌زادگان و شمس‌کشکولی، ۱۳۹۳: ۲۸۲). نهادها و سازمان‌هایی که با استناد به شرح وظایف و اختیاراتشان عنصر اصلی و کلیدی در اداره منطقه کلان‌شهری تهران محسوب می‌شوند، در جدول ۱ درج شده‌اند.

وضعیت موجود سازماندهی سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران

کلان‌شهر تهران بزرگ‌ترین شهر و مرکز استان تهران است. جمعیت شهر تهران مطابق با سرشماری سال ۱۳۹۵، بالغ بر ۸,۶۹۳,۷۰۶ نفر و مساحت ۵۷۴ کیلومتر مربع است. با اینکه تنها ۱۱ درصد جمعیت کشور در تهران زندگی می‌کنند، حدود ۲۵ درصد تولید ناخالص داخلی ایران مربوط به این شهر است که تولید ناخالص داخلی برابر با ۸۸ میلیارد دلار دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). روند سریع گسترش منطقه عملکردی تهران، بدون پیش‌بینی و استقرار ترتیبات نهادی و قانونی لازم برای کنترل و هدایت توسعه و ارائه خدمات متناسب در کل منطقه، موجب بروز مشکلات و چالش‌های محتوایی متعدد همچون گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی، تخریب محیط‌زیست، از بین رفتن اراضی مرغوب باغی و کشاورزی، آلودگی‌های آب و خاک و هوا، ناکارایی شبکه حمل و نقل و... شده است (شریف‌زادگان و شمس‌کشکولی، ۱۳۹۳: ۲۸۱). نظام اداری-اجرایی حاکم به منطقه کلان‌شهری تهران همانند دیگر مناطق و اصولاً تمام نظام مدیریت سرزمین تابعی از نظام

جدول ۱. نهادهای مدیریتی در اداره منطقه کلان‌شهر تهران

سطح ملی	مجلس شورای اسلامی، سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری، هیئت دولت، سیاست‌گذاری و هماهنگی، شورای عالی شهرسازی و معماری؛ سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فضایی، وزارت راه و شهرسازی؛ سیاست‌گذاری و هماهنگی فضایی کالبدی، وزارت کشور؛ سیاست‌گذاری و هماهنگی و نظارت و مدیریت فضایی.
سطح منطقه‌ای	استانداری؛ سیاست‌گذاری، هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی، شورای برنامه‌ریزی استان؛ سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی فضایی-اقتصادی، تخصیص بودجه؛ سازمان مسکن و شهرسازی؛ برنامه‌ریزی فضایی کالبدی؛ سازمان جهاد کشاورزی؛ برنامه‌ریزی فضایی و مدیریت فضایی؛ فرمانداری‌ها؛ سیاست‌گذاری، نظارت و مدیریت فضایی؛ شورای اسلامی شهرستان؛ سیاست‌گذاری، هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی
سطح محلی	شوراهای اسلامی شهر و روستا؛ سیاست‌گذاری، هماهنگی، نظارت و مدیریت فضایی، شهرداری‌ها؛ مدیریت فضایی کالبدی و اجرایی

(منبع: آخوندی، ۱۳۸۶)

ناکارآمدی مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران

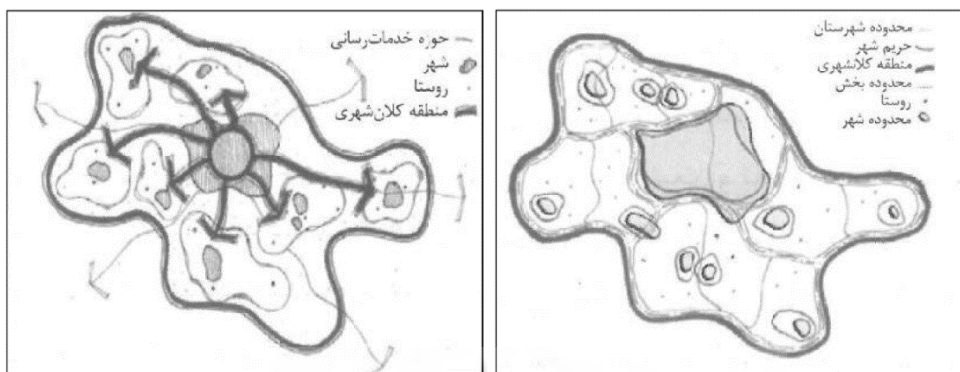
براساس منابع موجود، نهادها و کنشگران مؤثر بر مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران با توجه به حیطة مسئولیت، اهداف و ماهیت آن‌ها به پنج دسته نهادهای حکومتی-دولتی، نهادهای حکومتی عمومی، نهادهای غیردولتی، نهادهای بخش خصوصی و نهادهای بین‌المللی قابل تفکیک هستند (آخوندی، ۱۳۸۶: ۶). کلان‌شهر تهران در حال حاضر اگرچه به لحاظ قلمرو از همبستگی برخوردار است، اما فاقد مدیریت نهادی در مقیاس این منطقه است. به این ترتیب می‌توان گفت اکثریت نهادها و کنشگران دخیل در مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران دولتی هستند. ساختار اداری به نحوی تعبیه شده که همه برنامه‌ریزی‌ها از بالا به پایین انجام می‌شود (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

نکته کلیدی در رابطه با موضوع تمرکز در تهران در واقع روند انباشت سرمایه در پایتخت است؛ به طوری که در روند زمانی، انباشت سرمایه در کل کشور به نفع پایتخت و در پایتخت به نفع شرکت‌ها، نهادها و لایه‌های اجتماعی معین جهت‌گیری کرده است. از سوی دیگر تمرکز توأم با توسعه اقتصادی در رشد صنعتی دارای محتوای درون‌زا نبوده و برخلاف آن تمرکزی بر مبنای درآمد ارزی نفت جابه‌جایی ثورت و

درآمد، رانت و بهره‌جویی از تسهیلات دولتی و نقدینگی است که متأسفانه در جهت رشد و توسعه اقتصادی شهر به کار گرفته شده و عمدتاً در جهت مصرف و امتیازات سیاسی، طبقاتی و اجتماعی و... عمل کرده است. اقتصاد شهر تهران به‌ویژه از زمان ادغام سرمایه‌داری ایران در نظام اقتصادی جهانی تا حد زیادی به تولید و صدور نفت متکی است. کلان‌شهر تهران تمرکز شدیدی از فعالیت‌های اقتصادی واحد ملی را در خود جای داده است به نحوی که ناپایداری‌های اقتصادی آن به‌عنوان تهدیدی جدی برای امنیت ملی به حساب می‌آید. سازمان‌های درگیر در اداره کلان‌شهر تهران و فقدان نظام و رویه‌ای مشخص برای تقسیم هماهنگ این کلان‌شهر باعث شده که سازمان‌های مختلف بر حسب معیارهایی که تقسیم کرده‌اند تقسیمات متفاوتی را به کار ببرند. تقسیمات شهری سازمان‌های مختلف در اداره تهران باعث شده که چنین تقسیماتی بر هم منطبق نباشند. چنین امری به‌نوبه خود چندپارگی را در نظام اداره شهر تهران به‌دنبال داشته است. در کلان‌شهر تهران، شهرداری تهران و سایر شهرداری‌ها و دهیاری‌های موجود فاقد ارتباط ساختاری با یکدیگر هستند. آن‌ها هر یک دستورکارهای متفاوتی را دنبال می‌کنند و فاقد همکاری میان یکدیگر هستند. در کنار این وضعیت،

حوزه مناطق ۲۲ گانه شهرداری تهران به داخل چهار شهرستان تهران، شمیرانات، ری و اسلام‌شهر که شهرستان‌های مرکزی استان تهران هستند نفوذ کرده است.

ماهیت بخشی‌اداره امور موجب شده است تا سازمان‌های دولتی فعال در پهنه کلان‌شهر تهران نیز سیاست‌های منسجم و هماهنگی نداشته باشند. این تفرق سیاسی-اداری را به‌خوبی در شکل ۲ که در آن



شکل ۲. تفرق سیاسی (سمت راست) و یکپارچگی و همبستگی عملکردی (سمت چپ) در منطقه کلان‌شهری تهران (منبع: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۸۵)

۳۸ شهرداری مستقل، به مجمع‌الجزایری از مدیریت‌های شهری و مستقل اما کاملاً نزدیک و ناهماهنگ با یکدیگر تبدیل شده است. مجمع‌الجزایری که محدوده‌های حدفاصل بین آن‌ها نیز خود تحت مدیریت نهادهای مستقل دیگر (فرمانداری‌ها) قرار دارند (عسگری و همکاران، ۱۳۸۳: ۹۸).

این مسائل نشان می‌دهد که مدیریت کلان‌شهر تهران دارای دو نظام اداره مجزا است که هر یک درون خود دچار پراکندگی و ناهماهنگی هستند. این در حالی است که از اوایل دهه هشتاد به این سو، حکومت‌های کلان‌شهرهای بزرگ بر حکومت‌های محلی کوچک و پراکنده در بسیاری از نقاط دنیا ترجیح داده شده است (Barlow, 1991: 54). نگاهی به شهرداری تهران نشان می‌دهد که تا پیش از تشکیل شوراهای اسلامی شهر این سازمان به گونه غیرنماینده با اهداف عام شبیه بود و پس از استقرار شورا در شهرداری به گونه نماینده با اهداف عام نزدیک شده است. علت قراردادن شهرداری تهران و سایر شهرداری‌های کشور در دسته

اگرچه در ساختار اداری برای تعدیل و هماهنگ‌سازی عملکرد بخشی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی و ایجاد هماهنگی‌های بین‌بخشی، سازمان‌های هماهنگ‌کننده با ماهیت و عملکرد میان‌بخشی وجود دارند، اما تمرکزگرایی موجود در این سازمان‌ها و بی‌توجهی به سازمان‌های محلی و نقش آن‌ها در اجرای برنامه‌ها در کنار فقدان ماهیت فضایی-مکانی هماهنگی‌ها سبب شده تا مسئله هماهنگی نهادی با مشکلات زیادی مواجه شود. وزارتخانه‌های موجود، دارای ماهیت و عملکرد بخشی هستند و همه امور خود را از مرکز اداره می‌کنند. در این وضعیت جریان تصمیم‌گیری به صورت یک‌طرفه و عمودی است. سازمان‌های استانی یا شهرستانی عموماً فاقد قدرت تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی هستند؛ بنابراین دو نظام مدیریت ملی و محلی کشور با خصوصیات متفاوت در کلان‌شهر تهران بدون هماهنگی با یکدیگر عمل می‌کنند (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۳). درواقع محدوده منطقه کلان‌شهری تهران با بیش از

نهادهای کلان شهر تهران ارائه کرد. این تصویر بیانگر پراکندگی نهادهای ارائه‌کننده خدمات و فقدان متولی برای خدمات مهم است. جدول ۲ به خوبی این وضعیت را نشان می‌دهد.

حکومت‌های با اهداف عام به این دلیل است که آن‌ها با توجه به تقسیم‌بندی وظایف محلی، عهده‌دار ارائه طیفی از خدمات عمومی هستند. با مبنای قرارداد خدمات عمومی براساس دسته‌بندی استانی می‌توان تصویری از وضعیت موجود نهادهای مؤثر بر مدیریت

جدول ۲. حوزه‌ها و مأموریت‌های مدیریت شهری و سازمان‌های مرتبط با آن؛

حوزه	مأموریت‌های مربوط	سازمان‌های مرتبط با مأموریت
فرهنگی و اجتماعی	مأموریت فرهنگی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات، صدا و سیما، آموزش و پرورش، سازمان اوقاف و امور خیریه، بخش خصوصی
	مأموریت سلامت	وزارت بهداشت، آموزش و پرورش، سازمان صدا و سیما، سازمان بهزیستی، بخش خصوصی
	مأموریت خدمات اجتماعی و رفاهی	بهزیستی، کمیته امتداد، نیروی انتظامی، قوه قضائیه، وزارت بهداشت، صدا و سیما، وزارت کار، وزارت کشور، بخش خصوصی
	مأموریت آموزش و مشارکت‌های اجتماعی	وزارت ارشاد، سازمان صدا و سیما
	مأموریت ورزش	وزارت ورزش و جوانان، آموزش و پرورش، وزارت علوم، صدا و سیما، وزارت کشور، بخش خصوصی
	مأموریت حوزه بانوان	سازمان بهزیستی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت کشور، سازمان تبلیغات، بخش خصوصی و خیریه‌ها
ایمنی و مدیریت بحران	مأموریت افزایش سطح ایمنی	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، سازمان بحران، استانداری تهران، بخش خصوصی
	مأموریت افزایش کارایی سیستم مدیریت شهر تهران هنگام وقوع بحران	وزارت کشور، سازمان مدیریت بحران کشور، هلال احمر، وزارت بهداشت، سازمان بسیج، وزارت ارتباطات
	مأموریت نظارت و مدیریت بر بازسازی پس از بحران	سازمان مدیریت بحران، هلال احمر، قوه قضائیه، وزارت کشور، وزارت بهداشت، سازمان بسیج، وزارت نیرو، وزارت نفت، وزارت ارتباطات، نیروی انتظامی
شهرسازی و معماری	برنامه‌ریزی، نظارت و راهبری طرح‌ها	کمیسیون ماده پنج، شورای عالی شهرسازی و معماری
	حفظ بناهای تاریخی و واجد ارزش	میراث فرهنگی و گردشگری
هوشمندسازی	برنامه‌ریزی کنترل و نظارت بر ساخت‌وساز	قوه قضائیه، سازمان نظام مهندسی، کمیسیون ماده صد، نیروی انتظامی، مجلس شورای اسلامی
	شناسایی و ساماندهی بافت‌های فرسوده	کمیسیون ماده پنج، شورای عالی شهرسازی و معماری، نظام مهندسی، وزارت نیرو، بانک‌ها و مؤسسات ملی
	اصلاح و شبکه معابر	کمیسیون ماده پنج، راهنمایی و رانندگی
خدمات شهری	تهیه برنامه‌های راهبردی میان‌مدت و بلندمدت	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری، مجمع تشخیص مصلحت، بخش خصوصی
	مأموریت استانداردسازی فعالیت‌ها و محصولات	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، وزارت علوم و دانشگاه‌ها، مجمع کلان‌شهرهای کشور
	تهیه و تنظیم و نظارت بودجه	مجلس شورای اسلامی، وزارت کشور، معاونت برنامه‌ریزی ریاست جمهوری
خدمات شهری	مأموریت زیباسازی	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت نیرو، صدا و سیما، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان تبلیغات اسلامی
	مأموریت ساماندهی مأموریت مسیل‌ها و قنوات	سازمان محیط زیست، وزارت بهداشت، نیروی انتظامی، صدا و سیما، اتحادیه‌ها و اصناف وزارت نیرو، سازمان محیط زیست

وزارت نیرو، قوه قضائیه، سازمان محیط زیست، سازمان منابع طبیعی، صدا و سیما	مأموریت فضای سبز	حمل و نقل و عمران شهری
سازمان محیط زیست، وزارت بهداشت، قوه قضائیه، نیروی انتظامی و پلیس راهور	مأموریت خدمات شهری	
وزارت نیرو، سازمان استاندارد، نیروی انتظامی، وزارت بهداشت، سازمان محیط زیست	مأموریت محیط زیست	
اصناف و اتحادیه‌ها، وزارت بازرگانی، وزارت جهاد کشاورزی	مأموریت تهیه محصولات کشاورزی و پروتئینی	
وزارت ورزش، سازمان ورزش همگانی، پلیس راهور	توسعه حمل و نقل غیرموتوری	
وزارت ارتباطات، وزارت راه و شهرسازی، پلیس راهور	توسعه سیستم حمل و نقل هوشمند	
پلیس راهور، شرکت‌های خودروسازی، وزارت نیرو، وزارت راه و شهرسازی	افزایش ایمنی و بهره‌وری معابر	
شرکت‌های خودروسازی، وزارت کشور، صدا و سیما	مدیریت تقاضای سفر	
وزارت نیرو، وزارت ارتباطات، پلیس راهور، شرکت‌های خودروسازی، وزارت راه و شهرسازی	توسعه سیستم‌های حمل و نقل یکپارچه	
وزارت ارشاد، صدا و سیما، وزارت آموزش و پرورش	آموزش و ارتقای فرهنگ ترافیک	
بخش خصوصی	توسعه پارکینگ‌های عمومی	مدیریت سفرهای برون‌شهری و ترمینال‌ها
وزارت راه و شهرسازی، وزارت کشور، صدا و سیما		

(منبع: علیخان‌گرگانی و همکاران، ۱۳۹۳)

همان‌گونه که جدول ۲ نشان می‌دهد، در حال حاضر نهادهای مختلفی که عمدتاً حکومتی-دولتی هستند، در عرصه خدمات محلی وجود دارند. این نهادها در حالی که از کمترین روابط هماهنگی برخوردار هستند، فاقد نهادهای هماهنگ‌کننده با دولت محلی یا شهرداری نیز هستند. این مسئله بیانگر این نکته است که پراکندگی مدیریت و خدمات در سطح منطقه کلان‌شهری تهران وجود دارد و سبب‌ساز مشکلات اقتصادی، اجتماعی و کالبدی متعددی برای ساکنان این منطقه شده است؛ بنابراین می‌توان گفت که روابط بین نهادهای مختلف دخیل در مدیریت شهری کلان‌شهر تهران از هیچ قاعده خاصی تبعیت نمی‌کند و بسیاری از نهادها دارای تداخل در اجرای مسئولیت‌ها هستند. نهادهای دولتی وظایفی را انجام می‌دهند که مختص شهرداری‌ها و شورای شهر است و خود این نهادها در اجرای این مسئولیت‌ها توانمندی و قدرت عمل کمتری دارند. این آشفتگی در عملکرد و مسئولیت‌ها سبب می‌شود تا این نهادها از خدمات‌رسانی درست به شهروندان که یکی از اصول

اساسی در فلسفه مدیریت شهری است، باز بمانند (پیشگاهی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۰۶). واگرایی و تفرق حاکم بر ساختار اداری و اجرایی هر یک از عناصر تقسیمات کشوری با ساختار واگرا و متفرق تقسیمات کشوری در محدوده منطقه کلان‌شهری تهران ترکیب شده و منجر به تشدید تصاعدی تعارضات نظام مدیریتی این مجموعه‌ها شده است. در واقع در وضعیت فعلی، هر یک از عناصر و سطوح تقسیمات کشوری با حداقل روابط افقی و بین‌سازمانی اداره می‌شوند و موقعیت، وظایف و عملکرد خود را در چارچوب روابط بین‌سازمانی عمودی تعیین و تعریف می‌کنند. به این ترتیب تفرق عملکردی با تفرق فضایی ترکیب می‌شود و تناقض‌های عملکردی گسترده‌ای را در سطح نظام یکپارچه مذکور ایجاد می‌کند (پرهیزکار و کاظمیان، ۱۳۸۴: ۴۵).

ناهماهنگی و عدم توازن عملکردها در کلان‌شهر تهران پیوندهای اقتصادی-اجتماعی میان شهر تهران و کانون‌های جمعیتی پیرامون آن فراتر از پیوند یک مکان جغرافیایی با مکان‌های جغرافیایی دیگر در حالت

شهرها و روستاهای کشور روزانه با موانعی به لحاظ مالی و اجرایی روبه‌رو هستند که مرتفع‌ساختن آن نیازمند هماهنگی با مقام‌های بالاتر است؛ اما گستردگی و پیچیدگی کیفی آن موانع چنان بالاست که در عمل تمام وقت آن‌ها را به خود اختصاص می‌دهد؛ از این‌رو چنین به نظر می‌آید که در استان تهران در عین حفظ وحدت و یکپارچگی مدیریت راهبردی آن در قالب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و حتی تقویت آن، مناسب برای یک یا مجموعه‌ای از شهرستان‌های آن سطوح مدیریتی ویژه‌ای تعریف شود و اختیارات، نیروی انسانی و تشکیلات اداری متناسبی برای آن مجموعه‌ها یا شهرستان‌ها برای هدایت و پیشبرد توسعه و پیشرفت در آن مناطق در نظر گرفته شود؛ بنابراین گزینه بهینه برای ارتقای کارآمدی در مدیریت امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در فضای استان تهران، تشکیل مجموعه‌ها یا مناطق اداری با سطح تشکیلاتی بالاتر از سطوح کنونی شهرستانی است تا مدیریت واحد و یکپارچه استان تهران (شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان)، به خدمت‌رسانی بهتر و کارآمدتر به مردم بپردازد (حمدی و امیرانتخابی، ۱۳۸۹: ۱۲).

تجزیه و تحلیل یافته‌های پیمایشی تحقیق

در این مرحله از تحقیق، تجزیه و تحلیل و ارائه راهبرد بر اساس مدل SWOT صورت می‌گیرد. مدل SWOT یکی از ابزارهای استراتژیک تطابق نقاط قوت و ضعف درون سیستمی با فرصت‌ها و تهدیدات برون سیستمی است. این مدل تحلیل سیستماتیکی را برای شناسایی عوامل و انتخاب استراتژی که بهترین تطابق میان آن‌ها را ایجاد می‌کند، ارائه می‌دهد. به همین منظور ابتدا در جدول ۳ ماتریس نقاط قوت، نقاط ضعف، تهدیدها و فرصت‌های پیش‌روی سیستم تدوین شد. در این مرحله شش عامل به‌عنوان نقاط قوت، شش عامل

عادی است. این مکان‌ها تنها روی کاغذ از هم تفکیک و به شهرها و شهرستان‌های جداگانه سازماندهی شده‌اند و گرنه در استان تهران نه با تعدادی شهر و شهرستان که با یک مجموعه شهری روبه‌رو هستیم که تنها فیروزکوه و طالقان را می‌توان مستقل از آن در نظر گرفت. در واقع مهم‌ترین تفاوت تهران و بقیه استان‌های کشور این است که در نظام تقسیمات کشوری هر واحد سیاسی شهرستان (به‌عنوان زیرمجموعه استان) از یک یا چند شهر و تعداد بیشتری روستا تشکیل شده است؛ در حالی که کلان‌شهر تهران خود چهار شهرستان تهران، شمیرانات، اسلام‌شهر و شهرری را در خود جای داده است. در چنین شرایطی تعدد در مدیریت راهبردی چنین مجموعه‌ای به ناهماهنگی‌ها و مشکلات گسترده‌ای منجر خواهد شد و کارآمدی سیاست‌گذاری‌های را به شدت مخدوش خواهد کرد. بسیاری از مطالعات از جمله «مطالعات طرح مجموعه شهری تهران» و «مطالعه طرح جامع جدید تهران» با توجه به این موضوع حتی پیشنهاد می‌دهند که مدیریت راهبردی در این مجموعه شهری از آنچه در حال حاضر است نیز یکپارچه‌تر شود که این موضوع در قالب بند ۷ مصوبه دولت در مورد تحقق طرح مجموعه شهری تهران تجلی یافته و مدیریت این مجموعه را با اختیارات ویژه به استاندار تهران سپرده است؛ از سوی دیگر باید اذعان داشت که وحدت و یکپارچگی در مدیریت راهبردی در مجموعه شهری تهران، بدون داشتن مدیریت سیاست‌گذاری و اجرایی قدرتمند میانی به مقصد نخواهد رسید. متغیرهای خدمت‌رسانی و سیاست‌گذاری در کانون‌های جمعیتی کلان‌شهری مثل تهران که به‌تنهایی معادل یک یا تعدادی از استان‌های کشور جمعیت دارد، متفاوت از کانون‌های جمعیتی عادی کشور است. در این کانون‌ها مدیران و دست‌اندرکاران اجرایی امور همانند همه

به‌عنوان نقاط ضعف، شش عامل به‌عنوان فرصت‌ها و شش عامل به‌عنوان تهدیدهای پیش‌روی مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران شناسایی شد. در این پژوهش میزان وزن عوامل با بهره‌گیری از روش دلفی و به‌وسیله مدیران حوزه شهری و استادان دانشگاه تعیین شده است.

جدول ۳. ماتریس نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها در راستای فرایند مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران

<p>۱- نقش دولت در افزایش چالش‌های مدیریتی کلانشهری تهران ۲- روابط شکننده اداری ۳- فقدان وحدت رویه ۴- تفرق در مدیریت سیاسی فضا ۵- نبود زیرساخت‌های اداری مناسب ۶- قوانین داخلی دست‌وپاگیر</p>	<p>نقاط ضعف</p>
<p>۱- سرمایه انسانی ۲- موقعیت جغرافیایی بسیار خوب ۳- توان تأثیرگذاری در محیط پیرامونی ۴- وجود تعداد زیادی نیروی انسانی ماهر و متخصص شهری ۵- وجود منابع بالقوه برای ایجاد درآمد پایداری شهری ۶- وجود شورای شهر به‌عنوان عنصر رابط شهر و شهروندان</p>	<p>نقاط قوت</p>
<p>۱- تهیه طرح مجموعه شهری و ایجاد هماهنگی در نظام مدیریت شهری ۲- ظرفیت اقتصادی مجموعه کلان‌شهری تهران در جهت تأمین منابع درآمدی ۳- وجود تجارب گسترده جهانی در حوزه مدیریت کلان‌شهرها ۴- آشنایی نسبی کارشناسان با وضعیت مجموعه کلان‌شهری تهران ۵- تأکید قانون اساسی بر ضرورت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها ۶- افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها</p>	<p>فرصت‌ها</p>
<p>۱- موازی‌کاری در ساختار مدیریت کلان‌شهری ۲- تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی و قلمروهای مدیریت کلان‌شهر تهران ۳- عدم هماهنگی سازمان‌های دولتی و شهرداری تهران ۴- جمعیت بالای مجموعه کلان‌شهری تهران ۵- وجود فضای سیاسی رقابت‌محور ۶- مداخله سازمان‌های دولتی</p>	<p>تهدیدها</p>

(منبع: یافته‌های نگارندگان)

در جدول زیر به هر عامل بر اساس اهمیت و موقعیت کنونی عوامل رتبه‌ای از ۴ (بسیار خوب) تا ۱ (بسیار ضعیف) داده شده و در جهت رتبه‌بندی نیز از روش دلفی بهره‌گیری شده است. در ستون امتیاز موزون، وزن در درجه هر عامل ضرب شده تا بدین‌وسیله امتیاز وزنی آن به‌دست آید. جدول ۵ برای عوامل داخلی و جدول ۴ برای عوامل بیرونی تهیه شده است. جدول ۴ که به تحلیل عوامل بیرونی مؤثر در مدیریت سیاسی فضای کلان‌شهری تهران می‌پردازد، بیانگر آن است که از میان شش عامل ذکر شده، عامل تهیه طرح مجموعه شهری با امتیاز وزنی (۰/۸۴)، ظرفیت اقتصادی مجموعه کلان‌شهری تهران در جهت تأمین منابع

درآمدی با امتیاز موزون (۰/۴۸)، تأکید قانون اساسی بر ضرورت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها (۰/۳۳) و افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها (۰/۱۸) به‌ترتیب به‌عنوان مهم‌ترین فرصت‌ها و عوامل تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی و قلمروهای مدیریت کلان‌شهر تهران (۰/۳۳)، مداخله سازمان‌های دولتی و شهرداری تهران (۰/۲۸)، عدم هماهنگی سازمان‌های دولتی و شهرداری تهران (۰/۱۸) و موازی‌کاری در ساختار مدیریت کلان‌شهری (۰/۰۳) به‌ترتیب مهم‌ترین تهدیدهای پیش‌روی مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران محسوب می‌شوند.

جدول ۴. ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی تأثیرگذار در فرایند مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران

امتیاز موزون	امتیاز	وزن	عنوان عوامل به اختصار	کد عوامل	عوامل بیرونی	عوامل تأثیرگذار بیرونی
۰/۸۴	۴	۰/۲۱	تهیه طرح مجموعه شهری و ایجاد هماهنگی در نظام مدیریت شهری	O1	فرصت‌ها	عوامل تأثیرگذار بیرونی
۰/۴۸	۴	۰/۱۲	ظرفیت اقتصادی مجموعه کلان‌شهری تهران در جهت تأمین منابع درآمدی	O2		
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	وجود تجارب گسترده جهانی در حوزه مدیریت کلان‌شهرها	O3		
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	آشنایی نسبی کارشناسان با وضعیت مجموعه کلان‌شهری تهران	O4		
۰/۳۳	۳	۰/۱۱	تأکید قانون اساسی بر ضرورت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها	O5		
۰/۱۸	۳	۰/۰۶	افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها	O6		
۰/۰۳	۱	۰/۰۳	موازی کاری در ساختار مدیریت کلان‌شهری	T1	تهدیدها	
۰/۳۳	۳	۰/۱۱	تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی و قلمروهای مدیریت کلان‌شهر تهران	T2		
۰/۱۸	۳	۰/۰۶	عدم هماهنگی سازمان‌های دولتی و شهرداری تهران	T3		
۰/۰۸	۲	۰/۰۴	جمعیت بالای مجموعه کلان‌شهری تهران	T4		
۰/۱۰	۲	۰/۰۵	وجود فضای سیاسی رقابت‌محور	T5		
۰/۲۸	۴	۰/۰۷	مداخله سازمان‌های دولتی	T6		
۳/۰۷		۱			جمع	

(منبع: یافته‌های نگارندگان)

می‌شوند و تفرق در مدیریت سیاسی فضا با امتیاز موزون (۰/۲۴)، فقدان وحدت رویه (۰/۱۶)، قوانین داخلی دست‌وپاگیر (۰/۱۲) و نقش دولت در افزایش چالش‌های مدیریت کلان‌شهر تهران (۰/۱۰۱۴۶) به ترتیب مهم‌ترین نقاط ضعف مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران محسوب می‌شوند.

در جدول ۵ که در آن عوامل تأثیرگذار داخلی فهرست شده‌است، در بخش نقاط قوت وجود شورای شهر به‌عنوان عنصر رابط شهر و شهروندان با امتیاز موزون (۰/۶۰)، وجود تعداد زیادی نیروی انسانی ماهر و متخصص شهری (۰/۴۸)، وجود منابع بالقوه برای ایجاد درآمد پایدار شهری (۰/۴۴) و یکپارچگی شهرداری تهران (۰/۳۰) به ترتیب مهم‌ترین نقاط قوت محسوب

جدول ۵. ماتریس ارزیابی عوامل داخلی تأثیرگذار در فرایند مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران

امتیاز موزون	امتیاز	وزن	عنوان عوامل به اختصار	کد عوامل	عوامل داخلی	عوامل تأثیرگذار داخلی
۰/۳۰	۳	۰/۱۰	یکپارچگی شهرداری تهران	S1	نقاط قوت	عوامل تأثیرگذار داخلی
۰/۱۵	۳	۰/۰۵	موقعیت جغرافیایی بسیار خوب	S2		
۰/۱۸	۲	۰/۰۶	توان تأثیرگذاری در محیط پیرامونی	S3		
۰/۴۸	۴	۰/۱۲	وجود تعداد زیادی نیروی انسانی ماهر و متخصص شهری	S4		
۰/۴۴	۴	۰/۱۱	وجود منابع بالقوه برای ایجاد درآمد پایدار شهری	S5		
۰/۶۰	۴	۰/۱۵	وجود شورای شهر به‌عنوان عنصر رابط شهر و شهروندان	S6		

آسیب‌شناسی مدیریت سیاسی فضای کلان‌شهر تهران

۰/۱۰	۲	۰/۰۵	نقش دولت در افزایش چالش‌های مدیریتی کلان‌شهر تهران	W1	نقاط ضعف
۰/۱۶	۲	۰/۰۸	فقدان وحدت رویه	W2	
۰/۲۴	۲	۰/۱۲	تفرق در مدیریت سیاسی فضا	W3	
۰/۲	۲	۰/۰۱	نبود زیرساخت‌های اداری مناسب	W4	
۰/۱۲	۲	۰/۰۶	قوانین داخلی دست‌وپاگیر	W5	
۲/۹۷		۱			جمع

(منبع: یافته‌های نگارندگان)

تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک

فرصت‌ها و تهدیدها را به تعداد کمتری از عوامل محدود کنند. خلاصه‌ای از راهبردهای مختلف رقابتی/تهاجمی (SO)، تنوع (ST)، بازنگری (WO) و تدافعی (WT) در مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران در جدول ۶ فهرست شده است.

در این مرحله با استفاده از جدول‌های تجزیه و تحلیل عوامل داخلی و خارجی و ترکیب آن‌ها، مهم‌ترین عوامل استراتژیک ارائه می‌شود. در واقع با تجزیه و تحلیل عوامل استراتژیک برنامه‌ریزانی که تصمیمات استراتژیک اتخاذ می‌کنند می‌توانند نقاط قوت و ضعف،

جدول ۶. راهبردهای خاص در راستای بهبود مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران

نقاط ضعف W	نقاط قوت S	عوامل داخلی	عوامل خارجی
الف) تفرق در مدیریت سیاسی فضا ب) قوانین داخلی دست‌وپاگیر ج) فقدان وحدت رویه د) نقش دولت در افزایش چالش‌های مدیریتی کلان‌شهری تهران	الف) وجود شورای شهر به‌عنوان عنصر رابط شهر و شهروندان ب) وجود منابع بالقوه برای ایجاد درآمد پایدار شهری ج) وجود تعداد زیادی نیروی انسانی ماهر و متخصص شهری د) یکپارچگی شهرداری تهران		
استراتژی‌ها wo	استراتژی‌ها so	فرصت‌ها o	تهدیدها t
w01: اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر هماهنگی و همکاری نهادها، سازمان‌ها و بخش‌های خصوصی و دولتی در مدیریت مجموعه کلان‌شهری تهران w02: بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی موجود w03: تلاش برای افزایش مشارکت مردم در امور شهری	s01: تلاش برای بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی کلان‌شهر تهران s02: استفاده بهینه از سرمایه انسانی موجود در مجموعه مدیریت شهری s03: تقویت یکپارچگی شهرداری تهران و تلاش برای بسط آن در حوزه مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران s04: تلاش برای کاهش درجه واگرایی در منطقه کلان‌شهری تهران	الف) ظرفیت اقتصادی مجموعه کلان‌شهری تهران در جهت تأمین منابع درآمدی ب) افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها ج) تأکید قانون اساسی بر ضرورت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها د) تهیه طرح مجموعه شهری و ایجاد هماهنگی در نظام مدیریت شهری	الف) مداخله سازمان‌های دولتی ب) عدم هماهنگی سازمان‌های دولتی و شهرداری تهران ج) موازی‌کاری در ساختار مدیریت کلان‌شهری د) تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی و قلمروهای مدیریت کلان‌شهر تهران
استراتژی‌ها wt	استراتژی‌ها st		
wt1: تلاش برای حل و فصل قوانین دست‌وپاگیر wt2: تلاش برای تقویت نهادها و سازمان‌های ذی‌نفع در مدیریت مجموعه شهری تهران wt3: ایجاد زمینه‌های اعتماد و همکاری در سازمان‌ها و نهادهای مربوط wt4: تلاش برای برقراری همکاری‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی در مدیریت منطقه کلان‌شهری تهران	st1: کنارگذاشتن رویکرد رقابت‌محور در مناسبات مجموعه مدیریت شهری و دولت st2: تلاش برای عدم موازی‌کاری st3: تلاش برای ایجاد وحدت رویه در مجموعه کلان‌شهری تهران st4: تلاش برای جلوگیری از تفرق در مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران		

(منبع: یافته‌های نگارندگان)

نتایج

ساختار و شکل کنونی توزیع فضایی قدرت سیاسی با توجه به برنامه‌ریزی و توزیع قدرت از بالا به پایین، سبب تکوین ناکارآمدی در مدیریت شهری کلان‌شهر تهران شده است؛ زیرا در اثر حضور بیش از حد و اثرگذاری زیاد نهادها و کنش‌گران مردم‌پایه و نیز دخالت نهادهای دولتی در اداره امور نهادهای مردمی، عملاً مشارکت مردمی که وجه بارز حکمروایی شهری است، به شدت نادیده گرفته شده است.

تفرق و چندپارگی از ویژگی‌های بارز نظام مدیریت شهری تهران است که همین عامل باعث شده است نظام مدیریت و اداره این کلان‌شهر نتواند فضایی شهری و به تبع آن فرایندهای اجتماعی، سیاسی، کالبدی، زیست‌محیطی و اقتصادی را به صورت سیستماتیک تحت پوشش قرار دهد. این امر قبل از هر چیز از این مسئله نشأت می‌گیرد که در کلان‌شهر تهران ارتباط بین سلسله‌مراتب وظایف و عملکردهای مدیریت شهری با سلسله‌مراتب تقسیمات فضایی شهر برقرار نشده که همین عامل خود تبدیل به یکی از دلایل اصلی شکل‌گیری تفرق و چندپارگی در نظام مدیریت شهری این کلان‌شهر شده است. روند تمرکز با تصدی‌گری دولت و عدم مشارکت نهادهای عمومی در توسعه فضایی تهران ظرفیت تحمل فضایی را به نحو چشمگیری به چالش کشید؛ به گونه‌ای که گستره فیزیکی کلان‌شهری با عدم تناسب بین زیرساخت‌ها، فعالیت‌ها و نیازها مواجه شده و عدم تعادل‌های ساختاری، نهادی و عملکردی افزایش مستمر یافت. تمرکز بیش از حد ظرفیت تحمل فضایی در تهران موجب تضعیف آستانه تحمل و ظرفیت برای ساکنان و محیط‌زیست شهری شده است؛ از این رو مدیران شهری چاره را در رشد عمودی دیده؛ بدون آنکه محاسبات تطبیقی سرانه‌ها و داده‌های فضایی تهران لحاظ شده باشد. بدین ترتیب تهران از نظر حجم و گسترش دچار

ناپایداری شد و ناپایداری‌ها در دو شکل ناپایداری نهادی-سیستمی و ناپایداری فضایی در تمرکز تبلور یافت (خلیل‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۴۱).

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران با چالش‌ها و ضعف‌ها و تهدیدهای عمده‌ای روبه‌رو است و در عین حال نقاط قوت و فرصت‌های مناسبی نیز وجود دارد. از میان عوامل مختلف بیرونی مؤثر در مدیریت سیاسی فضای کلان‌شهری تهران، عامل تهیه طرح مجموعه شهری با امتیاز وزنی (۰/۸۴)، ظرفیت اقتصادی مجموعه کلان‌شهری تهران در جهت تأمین منابع درآمدی با امتیاز موزون (۰/۴۸)، تأکید قانون اساسی بر ضرورت مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها (۰/۳۳) و افزایش مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها (۰/۱۸) به ترتیب به عنوان مهم‌ترین فرصت‌ها و عوامل تعدد و تفرق قلمروهای حکومتی و قلمروهای مدیریت کلان‌شهر تهران (۰/۳۳)، مداخله سازمان‌های دولتی (۰/۲۸)، عدم هماهنگی سازمان‌های دولتی و شهرداری تهران (۰/۱۸) و موازی‌کاری در ساختار مدیریت کلان‌شهری (۰/۰۳) به ترتیب مهم‌ترین تهدیدهای پیش‌روی مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران محسوب می‌شوند.

از میان عوامل مختلف داخلی مؤثر در مدیریت سیاسی فضای کلان‌شهر تهران در بخش نقاط قوت وجود شورای شهر به عنوان عنصر رابط شهر و شهروندان با امتیاز موزون (۰/۶۰)، وجود تعداد زیادی نیروی انسانی ماهر و متخصص شهری (۰/۴۸)، وجود منابع بالقوه برای ایجاد درآمد پایدار شهری (۰/۴۴) و یکپارچگی شهرداری تهران (۰/۳۰) به ترتیب مهم‌ترین نقاط قوت محسوب می‌شوند و تفرق در مدیریت سیاسی فضا با امتیاز موزون (۰/۲۴)، فقدان وحدت رویه (۰/۱۶)، قوانین داخلی دست‌وپاگیر (۰/۱۲) و نقش دولت در افزایش چالش‌های مدیریت کلان‌شهر تهران

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/802917/%D9%85%D8%B1%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%A8%D8%B1-%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C%D8%AE%D8%A%86%D9%87-%D9%88-%D8%B3%DB%8C%D8%B1-%D8%AA%D8%AD%D9%88%D9%84%D8%A7%D8%AA-%D8%AA%D9%82%D8%B3%DB%8C%D9%85%D8%A7%D8%AA-%DA%A9%D8%B4%D9%88%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86>

افضلی، رسول؛ یاری، احسان؛ مرادی، اسکندر؛ ولی‌زاده، اکبر. (۱۳۹۲). تحلیل گفتمان ژئوپلیتیک دولت مدرن در مدیریت سیاسی فضا در ایران. فصلنامه جغرافیا، دوره یازدهم، شماره ۳۹.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=201820>

آخوندی، عباس. (۱۳۸۶). حاکمیت شهر-منطقه تهران، چالش‌ها و روندها. نشریه هنرهای زیبا، بهار ۱۳۸۶، شماره ۲۹، صص ۵-۱۶.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=61365>

الیگارسادبیج، برونی‌سلو. (۲۰۱۱). نظریه‌های نو درباره جغرافیا، ترجمه محمد مهدی شیرازی، چاپ دوم، انتشارات کاوه، تهران.

برآبادی، محمود. (۱۳۸۴). الفبای شهری. انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، چاپ اول، تهران.

برک‌پور، ناصر. (۱۳۸۵). حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران. همایش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، دوره اول، سال ۱۳۸۵، صص ۴۹۱-۵۱۲.

<https://www.sid.ir/fa/seminar/ViewPaper.aspx?ID=7114>

پرهیزکار، اکبر؛ کاظمیان، محمد. (۱۳۸۴). رویکرد حکمروایی شهری و ضرورت آن در مدیریت منطقه کلان‌شهر تهران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۵، تابستان ۱۳۸۵، شماره ۱۶، صص ۲۹-۴۸.

<https://www.sid.ir/fa/Journal/ViewPaper.aspx?id=62397>

پیشگاهی فرد، زهرا؛ قالیباف، محمدباقر؛ مرادی‌نیا، سجاد؛ مؤمنی، حمیده. (۱۳۹۲). آسیب‌شناسی توزیع فضایی قدرت سیاسی در کلان‌شهر تهران. جغرافیا، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۸.

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1393749/%D8%A2%D8%B3%DB%8C%D8%A8-%D8%B4%D9%86%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%AA%D9%88%D8%B2%DB%8C%D8%B9-%D9%81%D8%B6%D8%A7%DB%8C%DB%8C-%D9%82%D8%AF%D8%B1%D8%AA-%D8%B3%DB%8C%D8%A7%D8%B3%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%>

(۱۳۹۶/۰۱/۰) به ترتیب مهم‌ترین نقاط ضعف مدیریت سیاسی فضا در مجموعه کلان‌شهری تهران محسوب می‌شوند.

در مجموع از بررسی وضعیت موجود عملکرد و روابط سازمان‌های درگیر در مدیریت سیاسی فضا در کلان‌شهر تهران نکات زیر را می‌توان استخراج کرد:

مهم‌ترین جایگاه و موقعیت ارتباطی در هر سه حوزه اصلی مدیریت (سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی-اجتماعی و بالاخره برنامه‌ریزی و مدیریت فضایی) به ترتیب در اختیار استانداری و شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی است.

فرایند تراکم‌زایی و تفویض اختیارات سطح ملی با نوعی فرایند تمرکزگرایی منطقه‌ای همراه شده است. افزایش اختیارات استانداران و تمرکز همه امور تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در چارچوب شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و زیر نظر استانداری شاهد عملی این تمرکزگرایی است.

در معدود روابط بین‌سازمانی موجود، روابط عمودی و آمرانه همچنان بر روابط افقی و همکارانه غلبه دارد.

فقدان یا ضعف جایگاه ذاتی و ارتباطی نهادهای نمایندگی شهروندی و نیز نهادهای انتفاعی و غیرانتفاعی بخش‌های مردمی، تخصصی و خصوصی در چارچوب مذکور کاملاً مشهود است.

منابع

ابراهیم‌زاده، عیسی. (۱۳۸۶). مدل تحلیلی در ساماندهی فضاهای ناحیه‌ای مورد ناحیه سنگان خاش. پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۹، شماره ۵۹، صص ۳۵-۵۳.

https://jrg.ut.ac.ir/article_18519_3ea5937e2e2bb5c303f3a90f3d0e85be.pdf

احمدی‌پور، زهرا. (۱۳۷۸). مروری بر تاریخچه و سیر تحولات تقسیمات کشوری در ایران، مجله رشد جغرافیا، تهران، بهار ۱۳۷۸، شماره ۵۰، صص ۲۷-۳۵.

شکوهی، محمد؛ رهنما، محمدرحیم؛ گوهری قاسم‌پور، نسرين. (۱۳۹۳). مطالعه تطبیقی شاخص‌های حکمروایی خوب شهری در کلان‌شهرهای ایرانششمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری با تأکید بر مؤلفه‌های شهر اسلامی. مشهد.

<https://civilica.com/doc/349496/>

صفایی‌پور، مسعود؛ امان‌پور، سعید؛ نادری چگینی، زهرا. (۱۳۹۲). ارزیابی و تحلیل میزان تحقق‌پذیری حکمرانی خوب شهری در شهر خرم‌آباد. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس، سال پنجم، شماره ۱۷.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=219897>

عزیزی، محمدمهدی؛ ایوبی‌اردکان، محمد؛ نوری، نسرين. (۱۳۹۱). بررسی نقش کنشگران و ابزارهای مدیریت شهری در یکپارچگی مدیریت کلان‌شهر تهران. مدیریت شهر، شماره ۱۰، سال ششم.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=184800>

عسگری، علی. (۱۳۸۳). طراحی سیستم مدیریت مجموعه‌های شهری ایران. پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، مرکز مطالعات برنامه‌ریزی شهری.

علیخان گرگانی، روح‌الله. (۱۳۹۳). مطالعه عناصر ساختاری الگوی مدیریت شهری تهران در حوزه‌های شش‌گانه، فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۲۷-۱۴۳.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=226661>

علیخان گرگانی، روح‌الله؛ موسی‌خانی، مرتضی؛ معمارزاده، غلامرضا. (۱۳۹۳). مطالعه عناصر ساختاری الگوی مدیریت شهری تهران در حوزه‌های شش‌گانه شهری. فصلنامه اقتصاد و مدیریت شهری، سال دوم، بهار ۱۳۹۳، شماره ۶، صص ۱۲۷-۱۴۳.

<http://ensani.ir/fa/article/335228/%D9%85%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%B9%D9%87-%D8%B9%D9%86%D8%A7%D8%B5%D8%B1-%D8%B3%D8%A7%D8%AE%D8%AA%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%A7%D9%84%DA%AF%D9%88%DB%8C-%D9%85%D8%AF%DB%8C%D8%B1%DB%8C%D8%AA-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C-%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%B1-%D8%AD%D9%88%D8%B2%D9%87-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%B4%D8%B4-%DA%AF%D8%A7%D9%86%D9%87-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C>

عیوضلو، داود؛ رضویان، محمدتقی. (۱۳۹۷). ارزیابی وضعیت مدیریت شهری کلان‌شهرها مبتنی بر شاخص‌های حکمروایی مطلوب شهری. جغرافیا و توسعه، پاییز ۱۳۹۷، شماره ۵۲.

<http://ensani.ir/fa/article/25648/%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%85%D8%AF%D9%84-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D8%B3%D9%88%D9%85%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86>

جاجرمی، حسین. (۱۳۷۹). تحلیل مدل‌های حکمرانی شهری در انتخابات سومین دوره شورای اسلامی شهر تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۴.

<http://ensani.ir/fa/article/25648/%D8%AA%D8%AD%D9%84%DB%8C%D9%84-%D9%85%D8%AF%D9%84-%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%AD%DA%A9%D9%85%D8%B1%D8%A7%D9%86%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1%DB%8C-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%86%D8%AA%D8%AE%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%AA-%D8%B3%D9%88%D9%85%DB%8C%D9%86-%D8%AF%D9%88%D8%B1%D9%87-%D8%B4%D9%88%D8%B1%D8%A7%DB%8C-%D8%A7%D8%B3%D9%84%D8%A7%D9%85%DB%8C-%D8%B4%D9%87%D8%B1-%D8%AA%D9%87%D8%B1%D8%A7%D9%86>

حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. انتشارات سمت، چاپ دوم، تهران.

حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ذوقی بارانی، کاظم؛ احمدی‌پور، زهرا. (۱۳۸۸). بررسی تأثیر الگوی دوگانه مدیریت سیاسی فضا بر کارکردهای مناطق آزاد، مدارس علوم انسانی، دوره پانزدهم، شماره ۱.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=169910>

حسینی، سید هادی. (۱۳۹۵). تحلیل شاخص‌های حکمروایی خوب شهری با تأکید بر نظرات شهروندان و مدیران، مطالعه موردی شهر تربت حیدریه، فصلنامه مطالعات شهری، دوره ۵، شماره ۲۰، صص ۴۳-۵۲.

https://urbstudies.uok.ac.ir/article_40907.html

حمدی، کریم؛ امیرانتخابی، شهرام. (۱۳۸۹). کلان‌شهر تهران بزرگ و چالش‌های مدیریت شهری. فصلنامه جغرافیای سرزمین، سال هفتم، شماره ۲۶.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=150181>

خلیل‌آبادی، حسن. (۱۳۹۰). ژئوپلیتیک شهری: نشر پژوهشی نوآوران شریف، چاپ اول، تهران.

شریف‌زادگان، محمدرحیم؛ شمس‌کشکولی، هانیه. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی فضایی راهبردی برای حکمروایی یکپارچه منطقه‌ای در منطقه کلان‌شهری تهران. مدیریت شهری، دوره ۱۳، شماره ۳۴، صص ۲۷۳-۲۹۶.

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=247652>

- development, Journal of Community Practice, 2(1), 46-59.
- https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1300/J125v02n01_02
- Barlow, I. M. (1991). Metropolitan government, Routledge, London.
- <https://www.routledge.com/Metropolitan-Planning-in-Britain-A-Comparative-Study/Roberts-Thomas-Williams/p/book/9780117023611>
- Bugliarello, G. (2006). Urbansustainability: Dilemmas, challenges and paradigms, Technology in Society.
- <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S0160791X05000576>
- Gazendam, H.W. (2000). Coordination Mechanisms in Multi-Actor Systems, Netherlands: Twente University.
- Mulford, C. L. and Klonglan, G.E. (1992). Creating Coordination among Organizations, U.S.A.: North Central Region Extension Sociology Committee.
- Short, John (2013). An Introduction to Political Geography. London; ROUTLEDGE.
- <https://www.routledge.com/An-Introduction-to-Political-Geography/Short/p/book/9780415082273>
- Skocpol, T. (2014). State and Social Revolution. Cambridge: Cambridge University Press.
- <https://scholar.harvard.edu/thedaskocpol/publications?page=4%2C0%2C0%2C0%2C0%2C0>
- Stephens, D; Satterthwaite (2008). Urban health in developing countries, Environmental Impact Assessment, Review, 20 PP: 299- 310.
- Young, b. (2010). RECONFIGURING SOCIALIST URBAN LANDSCAPES: THE 'LEFT-OVER' SPACES OF STATE-SOCIALISM IN BUCHAREST. Journal of Studies and Research in Human Geography (2010) 4.1, 5-16.
- https://www.researchgate.net/publication/228475817_Reconfiguring_Socialist_Urban_Landscapes_The_Left-Over_Spaces_of_State-Socialism_in_Bucharest
- https://gdij.usb.ac.ir/article_4003.html
- قبادری حاجت، مصطفی؛ مختاری هشی، حسین. (۱۳۹۶). هیدروپلیتیک خاورمیانه در افق سال ۲۰۲۵، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۴، سال نهم. صص ۳۶-۷۴.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=107947>
- قالیباف، محمدباقر؛ حافظ‌نیا، محمدرضا؛ محمدپور، علی. (۱۳۹۲). نقش تقسیمات شهر در مدیریت یکپارچه شهری، مطالعه موردی تهران. فصلنامه جغرافیه دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۷.
- <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=189951>
- محمدپور، علی. (۱۳۹۱). طراحی الگوی یکپارچه تقسیمات سیاسی اداری فضای شهری (مطالعه موردی شهر تهران)، رساله دکتری رشته جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵). سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، سایت مرکز آمار ایران.
- <https://www.amar.org.ir/%D8%B3%D8%B1%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B9%D9%85%D9%88%D9%85%DB%8C-%D9%86%D9%81%D9%88%D8%B3-%D9%88-%D9%85%D8%B3%DA%A9%D9%86/%D9%86%D8%AA%D8%A7%DB%8C%D8%AC-%D8%B3%D8%B1%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C/%D9%86%D8%AA%D8%A7%DB%8C-%D8%AC-%DA%A9%D9%84%DB%8C-%D8%B3%D8%B1%D8%B4%D9%85%D8%A7%D8%B1%DB%8C-1395>
- مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران. (۱۳۸۵). امکان‌سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها، جلد اول، پروژه تحقیقاتی، دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور، تهران.
- میرحیدر، دره. (۱۳۹۶). مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت، چاپ ۲، تهران.
- هوشیار، محمدمهدی. (۱۳۷۹). تحلیل الگوی تقسیمات کشوری شمال خراسان، نمونه شهرستان اسفراین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- Bailey, D., Koney, K. M. (1995). Community based consortia: One model for creation and